نقد و تحلیلی بر طرح تأسیس بانک قرض‌الحسنه



بر اساس اعلام رسانه‌های جمعی چنین عنوان شد که با ایجاد "بانک قرض‌الحسنه" کنترل و نظارت مناسبی بر مؤسسات قرض‌الحسنه ایجاد می‌شود و نیز اعلام شد این بانک در چارچوب ضوابط تعیین شده فعّالیّت کرده بر اساس قرارداد قرض‌الحسنه اقدام به تجهیز و تخصیص منابع خواهد کرد و مهمترین انگیزه برای تأسیس این بانک این بوده که در سال‌های اخیر برخی از مؤسّسات با عنوان صندوق‌های قرض‌الحسنه در مواردی اهداف انتفاعی را دنبال کرده‌اند و این امر با نفس قرض‌الحسنه منافات دارد و انگیزه‌ی دیگر اینکه چون مؤسّسه‌های قرض‌الحسنه در حال حاضر تأثیر زیادی در سیستم اقتصادی کشور دارند از اینرو باید نظارت و کنترل ویژه‌ای بر این مؤسّسات ایجاد شود و ساختار جدید این صندوق‌ها باید زیر نظر مستقیم بانک مرکزی با محوریّت رفتار انسانی ایجاد گردد.

گفته شده چنانچه این بانک تأسیس شود تمام فعّالیّت صندوق‌هایی که تا به حال بدون قوانین و مقرّرات مدوّن ایجاد شده‌اند در قالب یک بانک قرض‌الحسنه سازماندهی می‌شوند و تصریح شده با توجّه به چگونگی جمع‌آوری منابع بانک قرض‌الحسنه **تسهیلات اعطایی آن بدون سود و تنها با اخذ کارمزد دو درصدی است.**

فصلنامه‌ی وام: مطالب فوق و عناوین مشابه چاپ شده در جراید و لزوم توجّه به این اقدام ما را بر آن داشت در خصوص چگونگی این طرح مصاحبه‌هایی را با افراد صاحب نظر برگزار کنیم و نظر آنان را جویا شویم تا در نهایت معلوم شود آیا چنین تصمیمی به نفع صندوق‌های قرض‌الحسنه و مردم خواهد بود یا به زیان آنان؟

اوّلین مصاحبه به یاری خداوند متعال برگزار شد که در این شماره‌ی فصلنامه فقط اشاره‌ای گذرا به برخی از نکات آن خواهیم داشت و عزیزانی که علاقه‌مندند به طور کامل در جریان کامل این مصاحبه قرار بگیرند می‌توانند به کتابچه‌ی مستقلی که با عنوان **بانک قرض‌الحسنه** ترکیبی متجانس یا متعارض؟! چاپ شده مراجعه نمایند.[1]

❁❁❁

و امّا گزیده‌هایی از این مصاحبه:

یکی از اهداف تأسیس بانک قرض‌الحسنه توسعه‌ی فرهنگ قرض‌الحسنه مطرح شده، آیا به‌نظر شما دسترسی به چنین هدفی ممکن و میسّر است؟

کارشناس محترم در بخشی از سخنان خود اشاره داشتند که اگر ما برای توسعه‌ی فرهنگ قرض‌الحسنه از راه کارهای خاصّ خودش استفاده نکنیم مطمئن باشیم که به بیراهه رفته‌ایم و هیچ نتیجه‌ای هم نمی‌گیریم. مثل برخی اموری که سالیان سال اینگونه تجربه کردیم و شکست خوردیم. مگر می‌شود قرض‌الحسنه‌ای را که مهذّب نفوس است و معلّم اخلاق، آن را زیر مجموعه‌ی بانکی قرار داد که از قوانین محض اقتصادی تبعیّت می‌کند؟ وقتی می‌گوییم بانک، یعنی اجرای تمام

۱ـ عزیزان علاقه‌مند برای تدارک جزوه نقد و تحلیلی بر تأسیس بانک قرض‌الحسنه می‌توانند با شماره تلفن ۵۵۲۸۰۵۲۴ـ۰۲۱ دفتر فصلنامه‌ی وام تماس بگیرند.

ضوابط، قواعد و شرایطی که در اداره‌ی یک بانک مطرح است از آغاز آن که الزام تبعیّت بی چون و چرا از قوانین بانک مرکزی است تا ریزترین جزئیّات آن، همه و همه در چارچوب مسائل بانکی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و هر قدر ما بگوییم و اصرار بورزیم بانک قرض‌الحسنه با سایر بانک‌ها متفاوت است "این" فقط در حدّ حرف است و در واقع این بانک با سایر بانک‌های "الف" و "ب" هیچ تفاوتی ندارد.

در قسمت دیگری از این مصاحبه در خصوص ضرورت نظارت بانک مرکزی بر عملکرد صندوق‌های قرض‌الحسنه به عنوان یکی دیگر از اهداف بانک قرض‌الحسنه از کارشناس محترم سؤال شد که در بخشی از پاسخ ایشان چنین آمده است:

نکته‌ی قابل تأمّلی که در اینجا قابل ذکر است شاخصه‌ی عمده‌ی هر جامعه‌ی صالح و مصلحی رعایت دو نکته است یکی اقامه‌ی نماز و برقراری ارتباط صمیمانه با خداوند متعال و دیگری ارتباط با آحاد افراد جامعه که یک مصداق آن ادای زکات است. زکات برای چه مصرفی؟ برای رفع نیاز نیازمندان جامعه و قرض‌الحسنه یکی از مصادیق اخذ زکات است و اگر در جامعه‌ای از افراد توانمند زکات گرفته نشود بالطبع نیازمندان، نیازشان تأمین نمی‌شود و نهایتاً حرکت این جامعه رو به صلاح و صواب نخواهد بود.

حال ما با تأسیس "بانک قرض‌الحسنه" قصد آن داریم که مأموریت اخذ زکات را به دستگاهی محوّل کنیم که مأموریت آن تولید است. این عملاً ممکن نیست و اینکه اگر ما در نظارت‌های عمومی خود موفّق نیستیم به این دلیل است که از پشتیبانی لازم برخوردار نیستیم و پشتیبان این امر قوّه‌ی قضائیّه است که مقتدرانه عمل نمی کند و اصولاً به سبب همین ضعف است که مرتّب قانون‌های جدید وضع می کنیم و به دنبال آن برای اجرای این قانون جدید، دم و دستگاه زایدی را تأسیس می کنیم غافل از اینکه این عوامل جانبی و حاشیه‌ای نه تنها خاصیّتی ندارند بلکه گاهی اوقات اصل کار را هم از بین می‌برند.

در ادامه‌ی مصاحبه نظر کارشناس محترم برنامه را در خصوص چگونگی سازماندهی صندوق‌های فاقد مجوّز توسط بانک قرض‌الحسنه جویا شدیم که بخشی از پاسخ چنین بود.

مفهوم سخن این بزرگوار این است که ما با صندوق‌هایی که دارای مجوّزند کاری نداریم و این سخن، سخن قابل تأمّلی است چرا که اگر از نظر ایشان مجوّزدارها برات آزادی دارند و نیازی نیست که زیر چتر بانک قرض‌الحسنه قرار بگیرند چرا که مشکلی ندارند و مسئله‌ای هم ایجاد نمی کنند امّا بی‌مجوّزها مشکل سازند!! سخن ما این است که اگر مشکل شما بی‌مجوّزها هستند یاری کنید که آنها هم دارای مجوّز شوند و این کار، کار عادلانه و روش معقول و منصفانه‌ای است.

از کارشناس محترم همچنین سؤال شد اینکه یکی از اهداف تأسیس بانک قرض‌الحسنه را جمع‌آوری و سازماندهی موقوفات، نذورات، وصایا، خیرات و مبرات، هدیه، هبه و... دانسته‌اند آیا چنین نیّتی در عمل هم محقّق و موفّق می‌شود؟

که در پاسخ گفته شد: تأمّل سطحی در این عبارات انسان را به این اندیشه وامی‌دارد که وقتی مردم پول سودآور خود را به شما نمی‌دهند و یا سخت و یا از روی ناچاری می‌دهند چون به شما اعتماد کاری ندارند، چگونه و با چه رغبتی بیایند موقوفات و نذوراتشان را به شما بدهند؟! مثلاً کسی مشکلی پیدا کند نذر کند اگر مشکلم حل شد نذر امامزاده **بانک قرض‌الحسنه** می کنم! آیا واقعاً مضحک نیست؟ حقیقتاً اینجور سخن گفتن جز تمسخر خردمندان و اهل فن چه نتیجه‌ی دیگری در بر دارد؟

مردم نذر قرض‌الحسنه می کنند چون شجره‌ی قرض‌الحسنه در زمین تقوا و جلسب خشنودی خدا ریشه‌اش کاشته شده و در همین زمین هم رشد کرده، بنابراین مردم علماً و عملاً به آن اعتماد دارند و می‌دانند عاملان و مجریانش جز رضای خدا هدف دیگری ندارند. قرض‌الحسنه امامزاده نیست ولی با اطمینان عرض می کنم کار امامزاده را انجام می‌دهد.

شما نویسنده‌ی محترم بیایید و امتحان کنید. شما در اهداف خود برای تأسیس بانک قرض‌الحسنه نوشته‌اید هیچگونه سودی به سپرده‌های قرض‌الحسنه اعمّ از سود مشارکتی و یا مشابه پرداخت نخواهد شد! سؤال این است شما این قدر جایزه و سود می‌دهید مردم استقبال چندانی ندارند وای به زمانی که کمترین سود هم ندهید!

نکته‌ی دیگری که شما ناگزیرید در برنامه‌ی کار خود داشته باشید و به آن هم اعتراف نکرده‌اید تجارت با پول مردم است که با اصول قرض‌الحسنه به هیچ وجه سازگار نیست؛ مگر طرف دیوانه است که شما با پول او تجارت کنید و کسب سود کنید و او بهره‌ای نداشته باشد. با اصول پول قرض‌الحسنه نباید تجارت کرد امّا شما برای تأمین هزینه‌های خود چه می‌کنید جز اینکه با پول مردم کار کنید و از سود آن هزینه‌های جاری و ثابت خود را تأمین کنید. شما بودجه‌ی مستقلی برای این منظور ندارید. شما این جوایز کلانی که می‌دهید از کجا می‌آورید؟ پانصد کیلو شمش طلا و مانند آن را چه کسی به شما می‌دهد؟ ضمن اینکه شما با این روش تبلیغی غیر اسلامی خود دارید به مردم ظلم می‌کنید. شما رذیلت بخل و طمع را در مردم پرورش می‌دهید و ریشه‌ی فصیلت را در نهاد مردم می‌خشکانید؛ با این کارهای خود وجدان کاری را از مردم می‌گیرید. طرف شب می‌خوابد صبح برمی‌خیزد به آرزوی دستیابی به ۵۰۰ کیلو شمش طلا یعنی گنج بدون رنج چیزی که در دین ما به شدّت نهی و سرزنش شده است و تمام توصیه‌ی قرآن و حتّی بزرگان دین ما این بوده و هست که شرافت و شخصیّت انسان با کار و تلاش پدیدار می‌شود و کسب هر گنجی جز در سایه‌ی تحمّل رنج میسّر نیست.

نابرده رنج گنج میسّر نمی‌شود
مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

شما باور کنید با این تبلیغات مسموم و روش غیر الهی خود فرهنگ تلاش و کوشش جوانمردانه را خدشه‌دار و توهّماتی در مردم ایجاد کرده‌اید که بدون زحمت به گنج فراوانی دست یابند. آیا این خیانت نیست؟ این خلاف اخلاق و مروّت و مردانگی نیست که وجدان کاری را در مردم بخشکانید و آنها را با توهّم و خیالات و ثروت‌های بادآورده سرگرم کنید؟ آیا این رقابت ناسالمی که بانک‌ها به‌وجود آورده‌اند نه این است که ریشه‌ی خیر و خیرخواهی و معاونت در کار خیر را در دل‌های مردم سوزانده‌اند! چرا که همه به سود پول فکر می‌کنند و مرتّب مراقبند که این اندوخته‌ی پولشان، سودآوری داشته باشد و حتّی حاضر نیستند به نزدیک‌ترین خویشان خود حتّی برادر خود! کمک کنند. شما با این روش‌های غربی مآبانه‌ی خود روحیّه‌ی تعاون و ایثار و خدمت‌رسانی را به شدّت در مردم تصعیف کرده‌اید.

شما قداست یک ارزش الهی را وارونه جلوه داده‌اید، سنّت حسنه‌ای که باید کارایی داشته باشد، بخل زدایی کند، نور سخاوت و عزّت را در بین مردم مؤمن بپراکند، ربازدایی کند و بسیاری فصیلت‌های دیگر، همه‌ی اینها را شما از بین بردید....

کارشناس محترم در قبال این سؤال که یکی دیگر از اهداف تأسیس بانک قرض‌الحسنه جلوگیری از رقابت‌های ناسالم بین بانک‌هاست فرمودند:

به این برادر ارجمند عرض می‌کنیم آیا جنابعالی پس از نگارش این مطالب مجدّداً تأمّلی هم در مطالب خود داشته‌اید یا نه؟ شما در شرایطی که از اهرم جدّی و پرقدرت نظارت در بانک مرکزی برخوردارید و با این وصف قادر نیستید جلوی رقابت ناسالم بانک‌ها را بگیرید چطور می‌توانید فرزند دیگری را که از این خانواده نیست سرپرستی کنید؟ شما در حلّ مسئله‌ی خود مانده‌اید و راه چاره‌ای سراغ ندارید آن وقت آمده‌اید مسئولیت فرزند یتیم دیگری را به عهده بگیرید. شما در بانک مرکزی همه گونه ابزاری برای نظارت در اختیار دارید نمی‌توانید از پس خلاف کاری بانک‌ها برآیید آن وقت صندوق‌هایی که در اطراف این مملکت پراکنده‌اند و آرام و بی‌صدا و بی‌ادّعا مشغول خدمت رسانی و گره گشایی از امور بندگان خدا هستند **اوّلاً** آنان را متّهم به خلاف کاری و انحراف می‌کنید و **ثانیاً** برای پیشگیری از انحراف آنها نظارت بانک مرکزی را صلاح کار

می‌دانید و در عین حال آنها را اهرمی برای اصلاح بانک‌ها مطرح می‌کنید! جلّ الخالق!

کارشناس محترم قرض‌الحسنه در آخرین بخش از سخن خود خطاب به پیشنهاددهندگان این طرح چنین گفت:

به هر حال این قرض‌الحسنه‌ای که شما از آن نام می‌برید با آن قرض‌الحسنه‌ی اصیل قرآنی فرسنگ‌ها فاصله دارد و از آن مزایای الهی و امتیازات کمال‌آفرین که سازنده‌ی انسان‌ها و رشد دهنده و تعالی‌بخش روح و روان آدمی است محروم است. فقط در حدّ یک اسم بی‌مسمّی و بی‌محتوا است و با آن قرض‌الحسنه‌ای که ما بدان اشاره داریم (و در این گفتار فقط شمّه‌ای از آن بیان شد) دارای تفاوت جدّی و اساسی است هم در مضمون و مفاهیم و هم در رسالت های آن.

البتّه ممکن است شما بگویید عنوان این بانک در حدّ یک اسم قرض‌الحسنه است. بانک "**الف**"، بانک "**ب**"، بانک "**قرض‌الحسنه**". ما هم با شما دعوا نداریم؛ امّا یک سفارش دوستانه بلکه یک خواهش برادرانه داریم و آن اینکه اجازه ندهید این عنوان مقدّس و قرآنی قرض‌الحسنه با اسامی دیگر خلط و مشتبه شود. نامی متناسب با محتوای امری که در نظر گرفته‌اید انتخاب کنید و این یک امر عقلایی است که اسم و مسمّی با هم تناسب داشته باشند و اصولاً عدم تناسب در نام‌گذاری اگر نگوییم مسئله‌آفرین است حدّاقل مضحک و خنده‌دار است. مثلاً به کسی که مو ندارد بگوییم زلفعلی و آن که کور است بگوییم عینعلی!!

به هر حال مدیریّت بانک، هنر خاصّ خود را می‌طلبد که البتّه آموختنش نه چندان کاری است دشوار؛ امّا مدیریّت صندوق قرض‌الحسنه مدیریّتی است سراسر ظرافت و لطافت در گفتار و کردار و رفتار و معلوم نیست آن کسی که بانک را مدیر و کارمند است قادر باشد در حوزه‌ی عملکرد صندوق با توانمندی و آبرومندی از پس کار برآید و به طور مطمئن عامل به وظیفه‌ی خطیر الهی خویش باشد؛ چرا که در **بانک** سر و کار با درهم و دینار است و ابزار تولید ولی **صندوق** ارتباط دارد با روح و روان انسان‌های مؤمن و آبرومندی که از شدّت خویشتنداری و تعفّف، گاه از بیان نیازهای ضروری خود دریغ می‌کنند، مبادا که عزّتشان شکسته شود و آبرو و حیثیّتشان آسیب ببیند.

ممکن است آنچه را که گفتیم مقبول طبع و خوشایند نظر شما نباشد و اصلاً منطق و منطوق ما را نپذیرید و همچنان مصمّم به تأسیس این بانک باشید، صاحب اختیارید انجام بدهید. امّا پیشنهاد می‌کنیم نام این بانک را منطبق با مرام حاکم بر آن تعیین کنید؛ مثلاً **بانک وام آسان** یا هر نام مشابه دیگری که سلیقه‌ی شما آن را می‌پسندد.

ضمناً عزیزان و بزرگواران اعمّ از مسئولان عالیقدر نظام و سایر اعزّه در سراسر میهن اسلامی چنانچه با ابهام یا سؤالی بعد از مطالعه‌ی این مصاحبه مواجه شدند آمادگی خود را برای پاسخگویی و تحلیل دقیق‌تر اعلام می‌داریم. ضمن اینکه علاقه‌مندیم از نقطه‌نظرات سروران پیشکسوت و صاحبان تجربه و علم و معرفت که بحمدالله در کشور ما کم نیستند در این خصوص بهره‌مند شویم.

از خداوند متعال توفیق فهم دین، شناخت وظیفه و عمل به تکلیف را مسئلت داریم و امیدواریم به نور قرآن و هدایت و حمایت اهل بیت علیهم‌السلام راهی را طی کنیم که سعادت دنیا و آخرت ما و فرزندان ما را تأمین کند و عملکرد ما برای حاضران مایه‌ی رفاه و امنیّت و عزّت و قرب الی الله و برای آیندگان سنّت و روش حسنه‌ای باشد که با عمل به آن ما نیز در ثواب آن شریک و سهیم باشیم. (و اجعل لی لسان صدق فی الاخرین) شکّ نداریم که هر عملی که ما انجام می‌دهیم مورد نظر و نظارت حجّت حقّ، ولیّ الله الاعظم زمان حضرت مهدی عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است و ان شاءالله این خدمات و زحمات که مبنای آن نُصح و خیراندیشی است مورد عنایت آن حضرت قرار گرفته، ذخیره‌ی گرانبها و ارزنده‌ای برای یوم‌المعاد همه‌ی ما محسوب گردد.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته